

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۲۵ نومبر ۲۰۲۱

تجاوز مردی به ۳۰۰ زن در پایتخت نمایندگان خدا!

اگر در محله‌ای یک اطلاعیه مخالف حکومت پخش شود آن محله را زیر و رو می‌کنند تا منتشر کننده آن را پیدا کنند. اما چرا یک متجاوز پس از این که به ۳۰۰ زن تجاوز کرد دستگیر می‌شود؟! حل این مشکل چندان هم سخت و دشوار نیست چرا که کافیست به سیاست‌های زن‌ستیز ۴۳ ساله جمهوری اسلامی ایران نگاه کنیم آن موقع ریشه چنین تجاوزها را صرفاً نه در یک فرد، بلکه در کل سیاست‌های حاکمیت جست و جو می‌کنیم.



مدتی است که نام «کیوان ام‌موردی» معروف به «کیوان امام» و خبرهای مرتبط با او در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است. اما او کیست و چرا در رابطه با دستگیری او تا این اندازه غفلت شده است؟ «کیوان ام‌موردی» دهه هفتادی است که گویا دانش‌آموخته رشته باستان‌شناسی دانشگاه تهران بوده و اطراف میدان انقلاب، کتابفروشی داشت و بر اساس ادعاها با ارتباط و اغفال شماری از دانشجویان دختر پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران در سال‌های اخیر، به تعداد قابل توجهی از دانشجویان این مجموعه، تجاوز کرده است. اولین جلسه دادگاه کیوان ام‌موردی که قرار بود روز یکشنبه، ۴ مهر ۱۴۰۰ برگزار شود، به تعویق افتاد. شیمیا قوشه، وکیل شماری از شاکیان پرونده کیوان ام‌موردی با اعلام این خبر در توییتر نوشت که تعویق جلسه «به دلیل مرخصی بودن قاضی» رخ داده، هرچند پیش از دادگاه به آن‌ها اطلاع نداده بودند. کیوان ام‌موردی اوایل شهریور ۱۳۹۹ در پی افشاکری ده‌ها زن در توییتر و اینستاگرام بازداشت شده بود. به گفته شاکیان، او به قربانیان خود پس از خوردن شراب حاوی مواد بیهوش‌کننده تجاوز می‌کرده است.

سرانجام جلسه اول دادگاه رسیدگی به اتهامات امام وردی دیروز مورخ ۲۳ آبان ماه به ریاست قاضی عموزادی در شعبه ۲۸ دادگاه عمومی و انقلاب برگزار شد. در این جلسه صرفا کلیات مطرح شد، کیوان امأموردی اتهامش را رد کرده و خود را قربانی جنبش فمینیستی می‌تواند خواند که از سوی رسانه‌های معاند رهبری شده و کارش بی‌آبرو کردن مردان است.

در تابستان ۱۳۹۹ موجی از افشاگری‌ها در توییتر علیه کیوان امأموردی شروع شد که او را به تعرض و تجاوز متهم کرد. پیش از این نیز شماری از کاربران توییتر با انتشار تصاویری از مکالمات خود با امام وردی، در رسانه‌های اجتماعی، گفته بودند که او آن‌ها را به منزلش دعوت و پس از مست یا بیهوش کردن آن‌ها، اقدام به آزار و تعرض جنسی می‌کرده است. همچنین خبرگزاری «ایسنا» در گزارش تازه خود با تعدادی از این قربانیان مصاحبه کرده است. کیوان امام وردی پس راه افتادن موج افشاگری‌ها در توییتر، در تابستان ۱۳۹۹، احساس خطر کرد و با اکانت‌های مختلف شروع به افزایش آزارها و تحت‌نظر داشتن این زنان نمود.

سرانجام اوایل شهریورماه ۱۳۹۹، حسین رحیمی، رئیس پولیس تهران، اعلام کرد فردی که به تازگی در توییتر روایت و گزارش‌هایی مبنی بر آزار و تعرض جنسی او به دختران دانشجو منتشر شده بود، بازداشت شده است. رحیمی، فرمانده انتظامی تهران بزرگ همچنین از شاکیان درخواست کرد با اطمینان از محفوظ ماندن هویت‌شان نزد پولیس برای شکایت از این مرد به پولیس امنیت عمومی تهران مراجعه کنند. رسانه‌ها در آن زمان این فرد را دانش‌آموخته دانشگاه تهران معرفی کردند که در حوالی میدان انقلاب کتابفروشی داشته است.

بیش از دو ماه است که در شبکه‌های اجتماعی در کنار نام کیوان امام هشتگ تجاوز جا خوش کرده است و صحبت‌ها در رابطه با این شخص، پیرامون همین موضوع می‌گردد. اما به راستی کیوان امام وردی (معروف به کیوان امام) کیست و چرا این همه خبرهای منفی علیه او شکل گرفته است؟

ماجرا از آن درجائی شروع شد که کاربران دختر توییتر تصمیم گرفتند تا با پیروی از هشتگ MeToo که چند سالی است برای بازگو کردن تجربه تجاوز مورد استفاده قرار می‌گیرد، خاطرات ناگوار خود از تجربیات مشابه را بازگو کنند. این توثیقات از گفت‌وگو در رابطه با تعرض کاربری با نام امانوئل آغاز شد و هر چه پیش رفت ابعاد گسترده‌تری به خود گرفت، پای اشخاص شناخته شده و مشهوری نیز به میان آمد. اما همزمان با توییتر، در اینستاگرام نیز این جنبش جلو رفت و در آنجا نام «کیوان امام» برای اولین بار شناخته شد.

سرانجام با دستور قاضی روح‌الله رضابورگنابی، بازپرس شعبه سوم دادرسی امنیت اخلاقی تهران، پولیس امنیت عمومی وارد عمل شد و کیوان امام وردی را دستگیر کرد. پس از دستگیری قاضی پرونده و پولیس از قربانیان درخواست کردند که برای تنظیم شکایت به دادرسی یا پولیس امنیت مراجعه کنند، این مراجع اعلام کردند که هویت شاکیان محفوظ خواهند ماند و هیچ اتهامی علیه آن‌ها صادر نخواهد شد. با این حال درست همان دلیلی که باعث شده بود تا دختران مدت زمان زیادی در رابطه با این ماجرا سکوت کنند، مانع آن‌ها برای مراجعه و شکایت علیه کیوان امام شد. طبق آخرین گزارشات دادرسی امنیت اخلاقی تهران تاکنون در حدود ۳۰ دختر جوان که مورد تجاوز کیوان امام قرار گرفته بودند از او شکایت کرده‌اند. از این تعداد حدود ۱۰ نفر از آن‌ها به صورت حضوری و با شناسائی متهم نزد بازپرس پرونده ماجرای طرح دوستی توسط او، کشاندن آن‌ها به خانه، مسموم کردن آن‌ها و تجاوز را بازگو کردند. برخی دیگر از شاکیان نیز به صورت تلفنی در تماس با دادرسی از متهم این پرونده شکایت کردند. در میان شاکیان این پرونده علاوه بر دختران تهرانی، افرادی از شهرستان دیگر و حتی خارج از کشور نیز به چشم می‌خورد.

متهم در بازجویی‌های اولیه زیر بار اتهامات خود نرفت و مدعی شد که شاکیان با اراده خود وارد دوستی و رابطه با او شده‌اند. اما با دستور قاضی پرونده، مأموران با بازرسی منزل کیوان به فیلم‌های ناخوشایندی از تجاوز او به قربانیان را کشف کردند. در نهایت با رو شدن اسناد تجاوز، او مجبور به اعتراف شد. سردار حسین رحیمی، فرمانده نیروی انتظامی پایتخت چندی پیش با حضور در مجلس به بیان جزئیاتی در از ابعاد پرونده کیوان امام پرداخت.

یکی از معاونان رئیس پولیس تهران در دیدار با مجمع نمایندگان تهران در مجلس شورای گفته بود که متهم به بیش از ۳۰۰ دختر طی ۱۰ سال تجاوز کرده و در این زمینه فیلم‌هایی نیز از مخفیگاه او کشف شده است. کشف این فیلم‌ها باعث شد تا امام وردی اتهام تجاوز به ۵۰ نفر را قبول کند. با این حال تنها ۲۰ نفر از قربانیان حاضر به شکایت شدند. به دلیل مسائل فرهنگی و معذوریت‌های اجتماعی، بسیاری از زنان قربانی تجاوز در ایران، حاضر به پیگیری حقوقی جرم نیستند.

کیوان امام که ظاهراً از بیماری سنگ کلیه رنج می‌برد، پس از دستگیری برای درمان به بیمارستان منتقل شده و پس از عمل جراحی و درمان دوباره به بازداشتگاه برگشته است. پرونده اتهامات او همچنان باز و در جریان است و ظاهراً بازپرس پرونده قرار است به زودی برای او اتهام «مفسد فی الارض» را تعیین کند. در صورت صدور این قرار، پرونده کیوان امام برای شروع محاکمه به دادگاه انقلاب ارسال خواهد شد.

با وجود آن‌که در قانون حکم اعدام برای مفسد فی الارض تعیین شده، هنوز مشخص نیست که چه سرنوشتی در انتظار این متهم به تجاوز خواهد بود. با این حال، با توجه به بازتاب گسترده رسانه‌ای این خبر، انتظار می‌رود که خیلی زود تکلیف پرونده او روشن شود.

امام وردی در نزد پولیس ادعا کرده که سادیسیم دارد اما رئیس پولیس تهران گفته است که این‌گونه نیست. او گفته است که تنها به خاطر هیجان این کارها را انجام داده و تنفری از زنان نداشته. او همچنین گفته که سعی داشته در این روابط به سوژه‌هایش دل‌بسته نشود. تنها به یک شخص علاقمند بود که آن رابطه هم بعد از یک سال به دلیل اختلاف میان آن‌ها تمام شده بود.

سرانجام رئیس پولیس تهران سه‌شنبه ۲۲ مهر ۱۳۹۹ برابر با ۱۳ اکتبر ۲۰۲۰ اعلام کرد که «کیوان ام‌موردی» به ۳۰۰ مورد تجاوز در ۱۰ سال گذشته اعتراف کرده و ۴۶ ویدیو مربوط به تجاوز به دختران نیز از محل سکونت او کشف شده است.

برنا به نقل از رئیس پلس تهران گزارش داد: «۳۰ شاکی در پرونده ام‌موردی حاضر هستند که ۱۰ نفر از آن‌ها در مواجهه حضوری با متهم او را شناسایی کرده و بقیه به صورت تلفنی شکایت خود را مطرح کرده‌اند. همچنین برخی شکایت‌ها نیز از خارج از کشور مطرح شده است.»

کیوان ام‌موردی ۳۳ ساله و فارغ‌التحصیل رشته باستان‌شناسی از دانشگاه تهران است. او که در اطراف خیابان انقلاب کتابفروشی داشت، متهم به تجاوز به ده‌ها دختر و زن جوان است.

نام ام‌موردی پس از به راه افتادن جنبشی در شبکه‌های اجتماعی که زنان ایرانی از تجربه آزار و تجاوز جنسی سخن می‌گفتند، مطرح شد. دخترانی که هدف او قرار گرفته بودند، تصاویری از چت‌های کیوان امام را منتشر کردند و نحوه آشنایی با او و تجربه تجاوز را در شبکه‌های اجتماعی شرح دادند.

سرانجام کیوان امام‌رودی دستگیر شد و گزارش روزنامه همشهری حاکی از آن است که او به فساد فی‌الارض متهم خواهد شد. تجربه اغلب دخترانی که در دام او گرفتار شدند حاکی از آن است که او با اضافه کردن مواد بیهوش‌کننده به مشروب اقدام به تجاوز می‌کرده است.

بر اساس گزارش همشهری، پرونده کیوان ام‌وردی در شعبه سوم دادسرای امنیت اخلاقی تهران در حال رسیدگی است.

اما کیوان ام‌وردی، متهم به ده‌ها مورد تجاوز به عنف، در جدیدترین دفاعیاتش خود را قربانی کارزار #من_هم_یا_#می_تو برشمرد که در سطح جهانی توسط بسیاری از زنان به راه افتاد تا از طریق آن گستردگی و دامنه تجاوز و تعرض جنسی در شبکه‌های اجتماعی پرده‌برداری کنند.

ام‌وردی که به اتهام تجاوز به ده‌ها زن جوان و نهایتاً به اتهام «افساد فی الارض» مورد محاکمه قرار گرفته، در جدیدترین جلسه دادگاه اتهام‌های وارده به خودش را شدیداً تکذیب کرده است.

امام وردی در دفاعیات قبلی خود خود نیز اظهار داشته که «با هیچ کس بدون رضایت او ارتباط جنسی برقرار نکرده است.»

شیمیا قوشه، وکیل شماری از شاکیان این پرونده، به خبرگزاری رکنا گفت: «این آقا خودش را قربانی جنبش فمینیستی «می‌تو» دانست و تاکید داشت که این جنبش در خارج از ایران توسط رسانه‌های معاند رهبری می‌شود و قصد این جنبش هم بدنام کردن مردان سلبریتی و معروف است.»

کیوان امام وردی متولد سال ۶۶ در تهران است. او که لیسانس باستان‌شناسی دارد در اطراف میدان انقلاب در مغازه‌ای به کتاب فروشی مشغول بود. با استناد به گفته‌های بازگو کنندگان داستان‌های تجاوز، او در زمانی که دانشجوی رشته باستان‌شناسی در دانشگاه تهران بوده، پس از آشنائی با دختران دانشجو در دانشگاه و یا شبکه‌های اجتماعی در قرارهای اول آن‌ها را به خانه خود دعوت می‌کرد. او با فریب دادن مهمانان خود به آن‌ها در ظاهر مشروبات الکلی تعارف می‌کرد اما ظاهراً به این نوشیدنی‌ها قرص‌های خواب آور قوی اضافه می‌کرد. این دختران پس از خوردن نوشیدنی از هوش می‌رفتند و پس از آن که به هوش می‌آمدند خود را برهنه و مورد تجاوز قرار گرفته در منزل کیوان امام می‌دیدند. نکته ناگوار در ماجرای کیوان امام این بود که داستان تجاوز او به دختران این سرزمین مربوط به عده‌ای انگشت شمار نبود. تعدد این گزارشات باعث برانگیخته شدن خشم عمومی در جامعه شد و این ماجرا در آن حد شاخ و برگ پیدا کرد که در نهایت پای قوه قضائیه و پولیس به ماجرا باز شد.

گزارش‌ها حاکی از آن است که کیوان امام وردی در یک دوره ۱۰ ساله، دختران را فریب داده و با کشاندن آن‌ها به خانه خود و خوراندن نوشیدنی، قربانی را از حالت عادی خارج و به او تجاوز می‌کرد. بر اساس اظهارات برخی از قربانیان، متهم برای این کار از نوشیدنی الکلی و قرص خواب محلول در آن استفاده کرده است.

در پی افشای ماجرا، امام وردی دستگیر شد و ۲۰ نفر از دختران قربانی حاضر به شکایت از او شدند. گفته می‌شود ۱۰ نفر از شاکیان در خارج از کشور هستند و به‌صورت تلفنی شکایت خود را ثبت کرده‌اند. اما ۱۰ نفر حاضر در ایران با حضور در دادسرا، متهم را شناسائی کرده‌اند.

در همین رابطه همشهری نوشت که کیوان امام وردی پس از انتقال به زندان اوین، با برخی از زندانیان سیاسی درگیر شده که باعث شده وی را به بند دیگری انتقال دهند. روشن نیست که چرا او را به بند زندانیان سیاسی برده بودند و او به چه دلیل با زندانیان سیاسی درگیر شده است؟ اما شواهد زیادی وجود دارد که مقامات زندان‌های جمهوری اسلامی آگاهانه و عمدانه زندانیان بزه‌کار را به بندهای زندانیان سیاسی می‌برند تا آن‌ها مورد آزار و اذیت قرار دهند و نوعی شکنجه به حساب می‌آید.

همشهری آنلاین ۲۳ مهر ۱۳۹۹ نوشت: دو ماه از جنبش «Me too» به روایت زنان ایرانی گذشته است. از سکوت سنگین و چند ساله‌ای که به یکباره شکست و موج عظیمی از افشاگری‌ها را به همراه داشت. از بهت ناباورانه‌ای که

گریبان خیلی‌ها را گرفت و البته برای متهم تجاوزهای سریالی حسابی گران تمام شد. حالا ماجرا جدی شده با این حال، شاکیان پرونده کیوان الف می‌گویند که حتی در صورت اثبات جرم او در دادگاه، مخالف اعدامش هستند.

ف. یکی از قربانیان پرونده کیوان الف است. کسی که سه سال بار سنگین آزار جنسی را به تنهایی به دوش کشیده و در نهایت با به راه افتادن موج افشاگری‌ها، با بسیاری از زنان قربانی هم‌صدا شده و قفل سکوتش را شکسته است. ماجرائی که برای او در سال ۹۶ رقم خورده، اما آشنائی او با کیوان الف، به چندین سال قبل‌تر برمی‌گردد؛ «من ورودی سال ۹۱ دانشگاه بودم و از سال دوم، سوم کیوان رو می‌شناختم. البته اون موقع اون دیگه دانشجو نبود، اما تو محیط دانشکده رفت و آمد داشت. اون موقع من تو یه کافه کار می‌کردم، همزمان برادر کیوان هم اونجا همکار من بود، برادرش خیلی آدم موجهی بود و ما زیاد با هم صحبت می‌کردیم. خودش هم زیاد به کافه ما می‌اومد. به من گفته بودن که برادرش و کیوان با هم زندگی می‌کنن. مدتی گذشت، هم درس تموم شد و هم از کافه‌ای که توش کار می‌کردم اومدم بیرون. اما توی اینستاگرام من و کیوان همدیگه رو دنبال می‌کردیم. یه بار رفته بودم سفر، تو اینستاگرام بهم پیام داد و سر صحبت رو باز کرد. خیلی مودبانه گفت وقتی برگشتی یه قراری بذاریم و کافه‌ای بریم.»

بعد از بازگشت ف. از سفر، قصه، ساز می‌شود؛ «وقتی برگشتم با ایشون قرار گذاشتم، رفتیم اکباتان قدمی زدیم و چای خوردیم و از هر دری حرف زدیم. می‌دونست که من با برادرش همکار و آشنا هستم، موقع خداحافظی گفت یه بار دعوتت می‌کنم خونه، شراب انداختم و بیا امتحان کن. هفت، هشت روز بعد، من رو دعوت کرد. ذهنیم این بود که با برادرش زندگی می‌کنه و تنها نیست و خلاصه مهمونی گرفته. ساعت حدود هفت عصر بود، رفتم خونش و دیدم تنه‌است. سراغ برادرش رو که گرفتم، گفت: «نه اون‌که این‌جا زندگی نمی‌کنه!» داشت شام درست می‌کرد و کلکسیون مشروب‌هاش رو بهم نشون داد. یه شیشه آورد و گفت این رو خودمون درست کردیم، امتحانش کن. خودش هم یه بهونه‌ای آورد و نخورد.»

ف. تعارف کیوان الف را می‌پذیرد و بعد همه‌چیز رنگ فراموشی به خود می‌گیرد؛ «نیم ساعت بعد، حال عجیبی بهم داد. سرم گیج رفت و نمی‌تونستم از جام بلند شم، خیلی سنگین شده بودم. می‌خواست به من نزدیک شود، اجازه ندادم، اما من رو کشید برد تو اتاقش و ... تمام این‌ها تو ده دقیقه اتفاق افتاد. من خیلی شوکه شده بودم، رفتار بی‌ادبانه‌ای کرد و از اتاق رفت. من هنوز توی شوک بودم، اسنپ گرفتم و زدم بیرون. حتی نمی‌دونستم چه ساعتی از روزه. یادمه وقتی می‌خواستم سوار ماشین شم، آن‌قدر که تلوتلو می‌خوردم سرم خورد به در ماشین. از اون لحظه به بعد دیگه هیچی یادم نیست.»

ف. می‌گوید هیچ وقت ادعا نکرده که کیوان چیزی در مشروب ریخته است؛ «از نظر خودم زیاده‌روی نکرده بودم، با این‌حال حس می‌کنم اون حالم هم طبیعی نبود، چون هیچی از بعدش یادم نمی‌آد.»

البته ماجرا ادامه دارد، کیوان الف بعد از این اتفاق دوباره به ف. پیام می‌دهد؛ «خودم رو مقصر می‌دونستم و فکر می‌کردم به قدر کافی از خودم محافظت نکردم. برای همین وقتی پیام می‌داد و می‌گفت می‌تونیم دوستای خوبی برای هم باشیم، برخورد بدی نداشتیم. مدام تو پروسه انکار بودم اما این رو هم بهش گفتم که هیچ اتفاق جنسی دیگه‌ای بین ما نمی‌افته. یکبار هم بعد از این ماجرا، من رو به کافه دعوت کرد، تنها هم نبود، یکی از دوستاش هم بود. اون روز هم کمی صحبت‌های معمول کردیم و تموم شد.»

این دیدار اما به مزاج کیوان الف خوش آمده و دوباره خواستار دیدار ف. می‌شود؛ «چند ماه بعد، خیلی مودبانه گفت خونه‌ش مهمونیه، خوشحال می‌شه منم برم. من فکر کردم جمع بچه‌های دانشکده‌ست. رفتم اما دیدم فقط خودش به یه دختر و پسر دیگه که من نمی‌شناختمشون. اما اون شب رفتاراش عجیب بود، طوری بود که اون دختری که اونجا بود

رو هم معذب می‌کرد، بازی جرئت و حقیقت راه انداخته بود و به همین بهونه چیزائی طراحی می‌کرد و می‌خواست به اون دختره نزدیک بشه. خیلی مشمنر کننده بود. من خیلی بدم اومد، احساس خطر کردم و تصمیم گرفتم برم. اون دختره هم ترسیده بود و قرار شد باهم بریم. اما کیوان عصبانی شد و گفت در پائین قفله و سرایدار خوابیده. من خیلی تعجب کردم گفتم، مگه کاخ سعدآباد؟! خیلی عصبانی شده بودم و دیگه داشت دعوا می‌شد که در رو باز کرد و ما رفتیم. این آخرین باری بود که باهاش در ارتباط بودم.»

ف. روزهای زیادی بعد این ماجرا از سر گذرانده تا عاقبت پذیرفته چه اتفاقی برایش افتاده است؛ «واقعا من یه بازه زمانی رو فراموش کردم، برای همینه که فکر می‌کنم «شاید» داروی بیهوشی ریخته بود توی مشروبم. خیلی طول کشید تا من موضوع رو بپذیرم و باور کنم؛ حدودا یک سال. بعد هم سعی کردم فراموش کنم تا همین چند وقت پیش که این جریانات راه افتاد.»

او از حال و هوای دو ماه پیش می‌گوید؛ از روزهایی که زنان ایرانی روایت‌گر جنبش «می‌تو» شدند؛ «اولش که این جریانات شروع شد، من سر بسته یه توثیتی کردم، اما ترسیدم که اسم این آدم رو بیارم و خودم متهم شم. اما وقتی دیدم یه سری آدم دارن عینا همون چیزی که من تجربه کردم رو میگن، فکر کردم الان سه سال گذشته، اگه من همون موقع می‌گفتم ممکن بود ده نفر قضاوتم می‌کردن، اما می‌تونست به گوش پنج نفر دیگه هم برسه و این اتفاق برای اون‌ها نیفته. احساس گناه کردم که سکوت کرده بودم. وقتی تصمیم گرفتم موضوع رو علنی کنم، دیگه قضاوت دیگران برام مهم نبود.»

اما هراس خیلی از قربانیان در این مواقع، اطلاع دادن به خانواده است؛ هراس از سرزنش تا طرد شدن که البته خوشبختانه ف. این حالات را تجربه نکرده است؛ «الان به جز پدرم تمام اعضای خانواده‌م ماجرا رو می‌دونن. اونم مادرم صلاح می‌دونه که چیزی بهش نگیم وگرنه من مشکلی ندارم. زمانی که این اتفاق افتاد من تنها زندگی می‌کردم و رابطه‌م با خانواده حداقلی بود و حتی خیلی خوب هم نبود. می‌تونستن بگن چون از ما جدا بودی این اتفاق‌ها برات افتاد، اما این حرف‌ها رو نزدن. من رو سرزنش نکردن اما این احساس رو بهم دادن که نذاریم بقیه بفهمن، آبرومون می‌ره. البته فکر می‌کنم این حداقل چیزیه که می‌تونه پیش بیاد.»

اما روزهای سختی تمامی ندارد و ف. وقتی برای شکایت به پولیس مراجعه می‌کند، با کیوان الف روبه‌رو می‌شود. دیداری که به گفته خودش سخت و پرفشار بوده است؛ «دو روز بعد از این که گرفتنتش دیدمش. پولیس بهم نگفته بود که قراره بشینم جلوی اون آدم و در حضور بازپرس صحبت کنم. برای همین دیدار خیلی پرتنش بود. خیلی بد نگاه می‌کرد، زل زده بود توی چشم‌هام و حرکات عصبی داشت. یکم ترسیده بودم چون واقعا شرایط بدی بود.»

با تمام این اوصاف و تحمل رنج سه ساله، ف. با اعدام کیوان الف مخالف است؛ «من به صورت کلی با مجازات اعدام مخالفم، از گرفتن حق حیات از یک آدم مخالفم. وقتی هم که خواستم شکایت کنم، وکیل بهم گفت اونم مخالف اعدامه، اما به هر حال در صورت اثبات جرم، احتمال اعدام هم وجود داره. من با علم به این موضوع شکایتم رو مطرح کردم. اما وقتی این موضوع مطرح میشه و برای اولین بار قانون بهش وارد می‌شه، موقعیتی که به راحتی نمی‌شه نادیده‌ش گرفت. اگه هدف این باشه که بخوای یه تاثیری تو این جریان بذاری، این موقعیت بهترین زمانه. باید جلوی این ماجرا یه جایی گرفته می‌شد. اولویت من این بود که اولاً این آدم و بعد افراد دیگه تو موقعیت مشابه نتونن به دیگران آسیب برسونن. من مخالف اعدامم اما چاره‌ای هم نبود، ما باید این راه رو می‌رفتیم.»

...

پستی قلبی به ۴۰ تجاوز اعتراف کرد. او خود را پستی معرفی می‌کرد و بعد از ورود به خانه‌ها هنگامی که مطمئن می‌شد زن یا دختر در خانه تنها است به زور متوسل و دست به جنایت سیاه می‌زد. این پرونده جنجالی از تیر ۹۱ با شکایت زنی به کلانتری شهدا آغاز شد، بررسی‌ها نشان می‌داد این مرد در چند مورد به عنوان پستی وارد خانه‌ها شده و زنان را به زور مورد تجاوز قرار داده است.

هر روز با افزایش شکایت زنان، پولیس خود را دورتر از متهم می‌دید تا اینکه هنگام ورود او به یک ساختمان تصویرش از سوی دوربین‌ها شکار شد. همین سرنخ کافی بود تا پولیس او را دی ۹۲ در یکی از روستاهای صومعه سرا دستگیر کند.

در جریان دادگاه این مرد به تجاوز به زنان اعتراف کرد و گفت: به عنوان پستی در می‌زدم و وقتی می‌دیدم زن یا دختر در خانه تنها است، به آن‌ها با تهدید چاقو تجاوز می‌کردم.

در جریان دادگاه ۴۰ نفر از پستی شکایت کردند و حکم اعدام او صادر شد و در اردیبهشت سال ۹۷ به دار مجازات آویخته شد.

سال ۹۳ بود که مرد ژله‌ای در شیراز جرایمش را آغاز کرد. چند زن و مرد با مراجعه به پولیس از جنایت سیاه پسر جوانی شکایت کردند. یکی از شاکیان به کارآگاهان پولیس گفت: شب متوجه حضور مرد غریبه در خانه شدم، خواستم او را بگیرم که لخت بود و بدنش چرب به خاطر همین از دستم فرار کرد و به پشت بام رفت و لباس‌هایش را برداشت و دیگر خبری از او نشد، پسر جوان به همسر تعرض کرده و لباس‌های او را در خواب پاره کرده بود.

خیلی زود تعداد شکایت‌ها بسیار زیاد شد تا جایی که برخی مدعی حضور مرد لخت با بدن چرب در خانه‌شان شده، اما قبل از هرگونه تجاوز مرد خانه متوجه و شیطان جوان ناکام مانده بود. با انتشار این خبر مرد شیطان صفت به مرد ژله‌ای تغییر لقب داد. تحقیقات برای دستگیری مرد ژله‌ای ادامه داشت تا این‌که یکی از شاکیان به پولیس مراجعه و اعلام کرد مرد ژله‌ای شلوارش را در پشت بام خانه‌اش جا گذاشته و فرار کرده است.

با بررسی شلوار مشخص شد از سوی یک خشک‌شویی نام امین پشت شلوار حک شده است، کارآگاهان تحقیقات خود را ادامه دادند تا اینکه چهره مرد ژله‌ای در روز توسط یک دوربین حین فرار ثبت شد، با مطابقت چهره و اسم مجرم ۲۲ ساله‌ای شناسائی شد که دو سال قبل با شکایت یک دختر به خاطر سرقت و اذیت و آزار دستگیر، اما با رضایت دختر آزاد شده بود.

با دستگیری امین ۲۲ ساله در جنوب شهر، هویت مرد ژله‌ای لو رفت، او در جلسه دادگاه گفت: من بیمارم و دست خودم نیست، هر شب از خواب پا می‌شدم و از طریق پشت بام می‌رفتم در خانه‌ای تا به زنی تعرض کنم. در بین قربانیانم دختر ۱۸ ساله تا زن ۶۰ ساله هستند. من ۱۰۰ خانه رفتم، اما فقط ۲۳ بار موفق به تجاوز شدم. مرد ژله‌ای دو سال بعد در سال ۹۵ در ملاعام به دار مجازات آویخته و پرونده زندگی و جرایمش برای همیشه بسته شد.

...

به گزارش جامعه ۲۴ - ۱۰ شهریور ۱۴۰۰، در آخرین مورد که هفته گذشته رخ داد دو متجاوز دستگیر و اعتراف کردند. در این پرونده مرد جوانی با روش دوستی در فضای مجازی، زنان و دختران را سر قرار می‌کشید و با آب‌میوه مسموم آن‌ها را بیهوش می‌کرد، این مرد سپس طعمه‌های خود را به خانه سیاهش در غرب تهران می‌برد و با همراهی دوستش به آن‌ها تجاوز می‌کرد و از صحنه تجاوز فیلم می‌گرفت.

پرونده متجاوزان سریالی در ایران پروند قطوری است.

غلامرضا خوشرو ، معروف به خفاش شب در دهه ۷۰ وحشتی در خیابان‌ها افکند. غلامرضا خوشرو بعد از اولین قتلش در سال ۷۱ دستگیر، اما معلوم نیست چه‌طوری موفق به فرار شد. او تا سال ۷۶ آزاد بود و هشت قتل دیگر در این سال انجام داد. موضوعی که در صحنه‌های قتل برای مأموران جلب توجه می‌کرد تجاوز قاتل به مقتولان قبل از ارتکاب جنایت بوده است.

غلامرضا سال ۷۱ هم به اتهام تجاوز و قتل دستگیر شد، اما توانست فرار کنند. هم‌دست او، اما محاکمه و اعدام شد. غلامرضا چندسالی دست به جنایت نزده بود، اما فقط از ۱۳ فروردین تا ۳۰ خرداد سال ۷۶ هشت زن و دختر را سوار پیکان قرمز رنگ خود کرده و بعد از تجاوز آن‌ها را به قتل رساند. خوشرو که هربار با اسامی جعلی از دست مأموران فرار می‌کرد، سرانجام در تیرماه از سوی نیروهای گشت ایست و بازرسی بسیج دستگیر شد و در مردادماه در قسمتی از ورزشگاه آزادی به دار مجازات آویخته شد.

«صادق. م» یکی از معروف‌ترین متجاوزانی است که در ابتدای دهه ۹۰ به دار مجاز آویخته شد. پرونده او به خاطر نقض حکم اعدامش در دیوان عالی کشور سر و صدای زیادی به پا کرد و با اتحاد رسانه‌ها و پافشاری قربانیان بالاخره حکم بار دیگر تأیید و اجرا شد.

از اواخر سال ۸۷ چند زن و دختر جوان با مراجعه به پولیس آگاهی از راننده خودرو پراید سیاه رنگی به اتهام آزار و اذیت شکایت کردند. یکی از زنان شاکی به پولیس گفت: از میدان ری سوار خودرو پراید مسافرکش شدم، راننده مسیرش را تغییر داد و من را به سمت بیابان فشافویه برد، هر کاری کردم در خودرو باز نشد او با تهدید چاقو من را مورد آزار و اذیت قرار داد و بعد هم با پیچ گوشتی بدنم را سوراخ کرد.

با ثبت این شکایت در کمتر از یک هفته تعداد قربانیان مرد پراید سوار دو رقمی شد، سرانجام در سال ۸۸ مأموران موفق شدند صادق را دستگیر و او به تجاوز و آزار و اذیت ۳۰ زن اعتراف کرد.

با دستگیری متهم که به عقرب سیاه معروف شده بود، قضات دادگاه کیفری او را به اعدام محکوم کردند، اما به علت رضایت چند شاکی، قضات دیوان عالی او را از اعدام تبرئه کردند. با ایجاد موج اعتراضی رسانه‌ها به این حکم، رئیس وقت قوه قضائیه هم معترض شد و در نهایت حکم اعدام عامل تجاوز به ۳۰ زن در بیابان‌های تهران تأیید و صادق مرداد ماه سال ۹۱ در چهارراه نظام آباد تهران به دار مجازات آویخته شد.

چندی پیش نیز در شهرستان سردهشت ده‌ها زن و دختر جوان قربانی باند متجاوز وابسته به سپاه پاسداران شده‌اند. تیم سردهشت آواتودی پس از تحقیقات در مورد پرونده یک دختر جوان ۲۰ ساله (نام محفوظ) که توسط یک گروه مورد تجاوز قرار گرفته، دریافت که اعضای اصلی این باند مستقیم عضو مخبر سپاه پاسداران هستند.

کامران عبداللهی (مارغان) رضا سیدی (کوله سه)، شورش قنه و علی آتین، اعضای اصلی باند تجاوز به زنان و دختران شهرستان سردهشت و مسلح به سلاح کمری سپاه هستند. رضا سیدی و علی آتین پس از شکایت خانواده یکی از قربانیان تجاوز دستگیر شده‌اند ولی با توصیه سپاه پاسداران و رشوه پرونده آن‌ها در پزشکی قانونی دستکاری شده و قرار است آزاد شوند.

رضا سیدی خلاف‌کار سابقه‌دار چند سال پیش خواهر خود را مقابل دیده دختر ۴ ساله‌اش به قتل رساند، با پادرمیانی و فشار اطلاعات سپاه تبرئه و آزاد شد.

بنا به گزارش آواتودی با وجود آن‌که علی آتین پس از شکایت خانواده یکی از قربانیان بازداشت شده و در زندان به اتهام تجاوز اعتراف کرده از طریق نهادهای امنیتی درصدد بستن پرونده و دستکاری تحقیقات پزشکی قانونی هستند. هم‌زمان برادر رضا سیدی که هم‌دست این باند مخوف است به طور علنی نه تنها خانواده یکی از شاکیان، بلکه خانواده

فعالان مدنی سردشت را هم تهدید کرده و گفته است هر کسی نسبت به اعمال کامران عبداللّهی، رضا سیدی و بقیه اعضای مخفی سپاه پاسداران اعتراض کند، به او هم تجاوز می‌شود! این باند همچنین عامل تولید مواد مخدر شیشه هستند.

طبق تحقیقات آواتودی تاکنون دست‌کم ۴۵ زن و دختر جوان قربانی این باند مخوف و متجاوز بوده و دست‌کم ۱۰ تن از قربانیان خودکشی کرده‌اند و دلیل خودکشی آن‌ها تجاوز این گروه بوده است.

یکی از شاهدان عینی که خواست نامش فاش شود به آواتودی گفته که در یک خودرو در مسیر سردشت-ربط پنج نفر که چهره یکی از آن‌ها را کاملاً شناخته و کامران مارغانی بوده به او تجاوز کرده‌اند و این زن قربانی به‌خاطر آن‌چه آبروی خانوادگی توصیف کرده هرگز درباره این جنایت صحبت نکرده است.

شاهد عینی دیگری گفته: «زمانی که همراه با سه خانم دیگر برای تفریح به خارج شهرستان سردشت رفته بود، کامران عبداللّهی مارغانی با یکی از هم‌دستانش با سلاح سرد به ما حمله کرده و از من خواست با این بهانه که بدون اجازه در ملک خصوصی آن‌ها نشسته بودم، با آن‌ها بروم! ولی زمانی که گفتم از کدام خانواده و عشیره هستم و حساب شما را خواهم رسید... ترسید و صرف‌نظر کرد!»

باند جاش سپاهی کامران مارغانی و رضا سیدی از بیم بر ملا شدن حقایق با همکاری‌های مشکوک برای انحراف افکار عمومی اخبار جعلی را منتشر کردند تا از اهمیت افشاگری کاسته شود و در این راستا اسامی افرادی چون «هیمن مارغانی» را به‌عنوان متجاوز منتشر کردند تا مخاطبین با دیدن اخبار جعلی نسبت به اخبار درست و اصلی تجاوز باند جاش-سپاهی نیز بدبین و ناباور شوند. در حالی‌که هیمن مارغانی هیچ ارتباطی به این باند نداشته و اساساً در تجاوز زنجیره‌ای مشارکتی نداشته است!

جدا از این باند کامران مارغانی و رضا سیدی هر بار که به یک زن یا دختر جوان تجاوز کردند، افرادی تازه وارد را به مشارکت در جرم تجاوز وادار کردند تا هم‌دستان خود را افزایش داده و باند را گسترش دهند.

این باند عامل افزایش خودکشی زنان در سردشت بوده و آواتودی اعلام کرده که اسامی ۱۵ قربانی را در اختیار دارد که به دلیل حساسیت اجتماعی منتشر نکرده است.

به گفته روان‌شناسان تجاوز جنسی تنها یک حمله فیزیکی و جنسی نیست، بلکه آسیب عمیق روحی و روانی نیز به دنبال دارد. این خشونت، هرچند همیشه قتل را به همراه نداشته باشد، عموماً تهدید به قتل را به همراه دارد. به شخصی که این عمل را مرتکب می‌شود تجاوزگر یا متجاوز می‌گویند.

یکی از آسیب‌پذیرترین گروه‌های اجتماعی که در خطر «تجاوز جنسی» و خشونت‌های در پی آن قرار دارند، کارگران جنسی هستند.

نزدیکی فرد بالغ با افراد کم‌سن و سال و کودکان، حتی اگر با رضایت او باشد، تجاوز محسوب می‌شود.

به این ترتیب روایت‌های مختلفی از تجاوز در ایران وجود دارد اما در عین حال ۸۰ درصد موارد تجاوز جنسی در ایران گزارش نمی‌شود.

بسیاری از زنان در ایران بی‌پناه و رها شده هستند حتی اگر هم خانواده داشته باشند. چرا که قانون و سنت‌های مذهبی و مردسالاری از آن‌ها حمایت نمی‌کند. همچنین ساختارهای استبدادی و دیکتاتوری حاکمیت در ایران، عمدتاً زن‌ستیز و مردسالار و پدرسالار است و به همین دلیل زنان ایران بی‌پناه و بدون حامی هستند. سازمان‌ها مردم نهاد نیز وجود ندارد که حامی آنان باشد.

به ویژه در خانواده‌هایی که در آن تنها مرد نان‌آور خانواده است، در نبود حمایت‌های اجتماعی از زنان، مرگ مرد می‌تواند سرنوشت چند خانواده را تغییر دهد. با این همه، زنان تا در توان دارند، تلاش می‌کنند نانی بر سر سفره خانواده کوچکشان بیاورند.

بر اساس قوانین جمهوری اسلامی، مرد رئیس خانواده محسوب می‌شود و در این میان، علاوه بر عهده‌داری تامین هزینه‌های خانواده، ولایت قهری کودکان نیز بر عهده اوست. قانون مدنی جمهوری اسلامی همچنین اختیار تعیین مسکن را نیز بر عهده مرد می‌داند و ...

آن گونه که از سخنان زنان قربانی آزار جنسی بر می‌آید، سن و سال، و میزان تحصیلات آن‌ها چندان تاثیری در پیشنهادهایی که دریافت می‌کنند، ندارد. کافی است زن باشی تا به خود اجازه دهند پیشنهادشان را مطرح کنند و فشار را به آن‌جا برسانند که زن جز تن دادن راه دیگری نداشته باشد.

در پایان می‌توانیم تاکید کنیم که بنا به مطالعات انجام شده، وقوع آزار جنسی در برخی مدارس و بین دانش‌آموزان پس و دختر در مواردی خیلی بالا و قابل توجه است. بیش از ۸۰ درصد موارد تجاوز به دلایل مختلف گزارش نمی‌شوند. هرچند که گاهی موجی از افشاگری و روایت درباره آزار و تجاوز، فضای مجازی را فرا می‌گیرد. زنان و مردانی که درباره آزارهای جنسی که تجربه کرده‌اند، نوشته‌اند.

قربانیان تجاوز کیوان امام پس از افشای این ماجرا، تصاویری از پیام‌های رد و بدل شده بین او و خودش را منتشر کرده‌اند. برخی از آن‌ها نیز گفته‌اند که او با عکس و فیلم‌هایی که از آن‌ها در اختیار داشت، این افراد را مجبور به ادامه رابطه می‌کرد. طبیعتاً تهدیدهای او و قضاوت جامعه در رابطه با قربانیان ماجرا اصلی‌ترین دلیلی بوده که این افراد برای مدت طولانی سکوت پیشه کرده‌اند و حتی نتوانستند هم‌نوعان خود را از خطر وجود چنین فردی آگاه کنند. از سوئی وکیل کیوان ام‌موردی نیز اعلام کرد که «اتهام افساد فی‌الارض به دلیل تعداد محدود اتهام‌ها به موکلش وارد نیست و دادسرا هم صلاحیت تحقیق درباره اتهام تجاوز را ندارد.»

او گفت که درخواست خواهد کرد تا تحقیقات باطل و پرونده به دادگاه کیفری یک ارسال و تحقیقات درباره اتهام تجاوز آغاز شود.

رئیس پولیس تهران نیز بعدها در اظهارات خود منکر اعلام رقم ۳۰۰ تجاوز شد و گفت که او این ادعا را مطرح نکرده است.

متأسفانه بسیاری از عناصر حکومتی انگشت اتهام را به سمت دختران قربانی نشانه رفتند و این دختران را به دلیل اعتماد به افرادی مانند کیوان امام مقصر دانستند. نکته تأسف برانگیز ماجرا عدم حمایت لازم از این دختران است. مانند گذشته، دور از انتظار نیست که بسیاری از قربانیان از ترس سرزنش و نگاه سرکوفت‌آمیز جامعه از بازگو کردن بلائی که سرشان آمده سر باز زنند.

اغلب قربانی تجاوز بنا بر دلایل متعددی که در راس آن عوامل فرهنگی است، ترجیح داده‌اند سکوت اختیار کرده و رنج آزاری را که دیده‌اند، به‌تنهایی حمل کنند. در کشوری همچون ایران که هیچ نوع آزادی وجود ندارد و زنان به طور سیستماتیک سرکوب می‌گردند، چگونه می‌توان از انگشت اتهامی که به سوی متهم دراز شده را اثبات کرد؟!

مسئله مهم دیگری که از جهت حقوقی در قوانین ایران کمتر به آن توجه شده، تجاوز در روابط زناشویی است. مطابق قوانین ایران در روابط زناشویی مرد و زنی که همسر رسمی یکدیگر هستند، مرد دست برتری را دارد؛ در واقع پدیده‌ای به نام تجاوز در روابط زناشویی به رسمیت شناخته نشده است. تنها در موارد معدود زنی که بر اثر تجاوز همسر مورد آسیب جدی جسمی قرار بگیرد، می‌تواند شکایت کند، اما با در نظر گرفتن اصل تمکین اصولاً تسلط در

روابط زناشویی با مرد است، زن باید تسلیم مرد باشد. اما در کشورهای دیگر حتی در روابط زن و شوهر هم باید رضایت وجود داشته باشد.

بخش غالب کسانی که مورد تجاوز قرار می‌گیرند، اغلب دچار پیامدهای جدی جسمی-روانی بعد از تجاوز می‌شوند. اغلب آن‌ها دچار اختلال استرس می‌شوند که پیامدهای روانی درازمدتی برای آن‌ها ایجاد می‌کند و می‌تواند حتی در زندگی زناشویی آینده‌شان هم تاثیر بگذارد. مطابق مطالعات، افسردگی اختلال جدی است که پس از تجاوز ایجاد می‌شود و با احساس یاس و ناراحتی و فقدان انگیزه و امید و کاهش سطح اعتمادبه‌نفس و بدبینی همراه است.

علاوه بر افسردگی، اختلالات دیگری مثل اضطراب، اختلال خواب و حتی گرایش به خودکشی در زنانی که مورد تجاوز قرار می‌گیرند بالاست. آن‌ها عموماً عصبی هستند، علائمی مثل ترس، بی‌پناهی، شوک، احساس حقارت و خجالت و حتی ملامت در آن‌ها وجود دارد، از منظر پزشکی این اختلال‌ها در زنان همه کشورها مشترک است؛ بنابراین با توجه به تفاوت جدی بین نگاه حقوقی به تجاوز در ایران و کشورهای غربی یا حتی نوع تعریف آن، به طور کلی می‌شود گفت پیامد و آثار آن برای زنان و دختران قابل توجه و درازمدت است.

تا آن‌جا که به پرونده کیوان امام برمی‌گردد احتمال دارد اعدام شود در حالی که مجازات اعدام قتل عمد دولتی است به همین دلیل نه تنها باید آن را با تمام قدرت محکوم کرد، بلکه از هیچ تلاش برای لغو اعدام فروگذار نشد. در عین حال به باور بسیاری از فعالین حقوق زنان در ایران، مجازات اعدام نه تنها بازدارندگی ندارد، بلکه در پرونده‌هایی مثل موارد تجاوز به محارم و تجاوز خانوادگی باعث می‌شود آزاردیده حتی پایش به دفتر وکیل هم نرسد، چه رسد به دادگاه، چرا که متجاوز پدرش، دانش، برادرش و ... است. این‌ها موارد حساس‌تر و مسکوت‌تر و قابل تعمق‌تری هستند.

در واقع ضرورت دارد که باید حاکمیت کنونی و کلیه قوانین کشور و جامعه ایران را تغییر داد و سنت‌های پدرسالاری و مردسالاری را به شکل پایه‌ای و اساسی مورد نقد قرار داد و بر آزادی و برابری جنسیتی و ملیتی تاکید ورزید. به عبارت دیگر ضرورت دارد که فرهنگ اجتماعی برابری‌طلبانه و آزادی‌خواهانه را در سراسر جامعه ایران تبلیغ و ترویج کنیم تا افکار پر قدرتی در جهت برابری خواهر و برادر و مرد و زن در جامعه نهادینه گردد. چرا که رمز رهائی از بردگی و این فضائی مسموم رهائی از جمهوری اسلامی و برپائی یک جامعه آزاد و برابر و انسانی و خودمیر است!

چهارشنبه ۳ آذر [قوس] ۱۴۰۰ - ۲۴ نومبر ۲۰۲۱